

## بررسی بنیان‌های مشروعیت حکومت آل مظفر (۷۹۵-۷۱۳ق.)

هوشنگ خسرو بیگی<sup>۱</sup>

مژگان صادقی فرد<sup>۲</sup>

**چکیده:** این تحقیق تلاشی در جهت بررسی بنیان‌های مشروعیت حکومت آل مظفر (۷۱۳-۷۹۵ق.) است. مشروعیت توجیه عقلاتی و حقانیت زمامداران برای اعمال حکومت بر مردم و نیز اطاعت و فرمانبرداری مردم از آنان است. بدون مشروعیت، حکومت نه تئیت می‌شود و نه تداوم پیدا می‌کند. مسئله این تحقیق، شناسایی مبانی مشروعیت‌زا برای این حکومت و چراًی انتخاب این مبانی و چگونگی کار کرد آن برای تئیت و استمرار و مقولیت خاندان آل مظفر برای حکمرانی است. این بررسی با رویکرد توصیفی- تحلیلی در حوزه مطالعات تاریخی انجام شده است. نتایج بررسی شان داد که شاهان مظفری گرچه در خلاء قدرت سیاسی پس از فروپاشی ایلخانان موفق شدند با زور و غلبه، قدرت را به دست گیرند، اما به این امر واقع بودند برای تداوم حکومشان نیازمند بنیان‌های دیگر مشروعیت خواهند بود. در همین زمینه تواستند به عنوان امرای بازمانده از حکومت ایلخانان و نیز کسب مشروعیت دینی و بیعت با خلفای عباسی مصر حکومشان را مشروعیت بخشناد. حاکمان آل مظفر هر چند به اندیشه حکمرانی ایرانی به عنوان یکی از عناصر مشروعیت‌زا حکومشان بی‌نظر نبودند اما دین را به عنوان مهم ترین بنیان مشروعیت بخشش حاکمیشان قرار دادند. همچنین تواستند مشروعیت برآمده از امنیت خواهی و عدالت محوری و در نهایت مشروعیت برآمده از توجه به کلیه گروههای مذهبی را کسب کنند.

### واژه‌های کلیدی: آل مظفر، مشروعیت، زور و غلبه، دین، امنیت، عدالت

۱ دانشیار دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) kh\_beagi@pnu.ac.ir

۲ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه پیام نور Mozghan.sadeghifard@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۰۶ تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۰۶/۱۲

## Examination of the Legitimacy of Al-e-Muzaffar Dynasty (713-795 AH)

Hooshang Khosrobeagi<sup>1</sup>  
Mozghan Sadeghfard<sup>2</sup>

**Abstract:** This tries to examine the legitimate foundations of Al-e-Muzaffar Dynasty (713-795 AH). Legitimacy means rational justification and rightness of the rulers to govern and the people's obedience of them. This issue is hold forth both in the continuity and survival of the states and their deterioration and downfall. In the absence of that the rule is neither stabilized nor sustained. This research is aimed at identifying the legitimizing basis of this dynasty, clarifying modality of choosing them and their functions in consolidation, continuation and acceptance of Al-e-Muzaffar rulers. Implementing analytical-descriptive method, this research is carried out in the field of historical studies. Corollaries of the research indicated that though Muzaffarian kings took over the throne by force and prepotency and after the collapse of Ilkhanites and in the absence of political power, but they were aware that their own throne to be continued was in critical need to other foundations of legitimacy. Hence, in order to overpass the challenges derived from power deterioration, they sought to get over the challenges of legitimacy. As the remaining Ilkhanite emirs and by acquiring religious legitimacy and allegiance to the Abbasid caliphs in Egypt, they legitimized their own rule. The rules of Al-e-Muzaffar, though did not consider Iranian government thought as one of the legitimate elements of their government, but they placed religion as the most important foundation of the legitimacy of their sovereignty. Also ,legitimacy derived security and justice and eventually that legitimacy which had its roots in considering all religious clusters.

**Keywords:** Al-e-Muzaffar, legitimacy, force and prepotency, religion, security, justice

---

1 Associate professor of the Payam-e-Noor university(Corresponding author) kh\_beagi@pnu.ac.ir

2 Ph.D. Student in History of Iran after Islam , Payam-e-Noor University Mozghan.sadeghfard@yahoo.com

## مقدمه

با حمله مغول و سقوط خلافت عباسی، عامل مهم کسب مشروعیت برای حکومت در قلمرو سرزمین‌های بازمانده از خلافت عباسی از میان رفت. ایلخانان در سالهای اولیه، مشروعیت خود را با انتساب به خاندان چنگیز و کسب مجوز حکمرانی از خانبایی معطوف کرده بودند. دیگر حکومت‌های پس از آن نیز هر یک مشروعیت حکمرانی خود را به یک یا چند مبنای معطوف کرده بودند که یکی از این مبانی، وابستگی به خاندان هولاکو بود. یکی از این حکومت‌ها، حکومت آل‌مظفر است که در طی سالهای ۷۹۵-۷۱۳ق. بر بخشی از قلمرو بر جای مانده از ایلخانان حکومت کردند. مسئله این تحقیق، شناسایی مبانی مشروعیت‌زا برای این حکومت و چرایی انتخاب این مبانی و چگونگی کارکرد آن برای تثیت و استمرار و مقبولیت خاندان آل‌مظفر برای حکمرانی است. محور این مباحث عمدتاً بر این پایه بوده تا نشان دهد حاکم بر چه مبنای حق حاکمیت و اعمال قدرت سیاسی را پیدا کرده و مردم با چه مجوزی این حق را مورد پذیرش قرار داده‌اند. این موضوع از این جهت مهم است که اصولاً بقا و استمرار و نیز تحکیم پایه‌ها و بنیان‌های حکومتی بستگی به کیفیت و میزان مشروعیت و مقبولیت آن حکومت داشته است.

هدف پیش‌روی این تحقیق، از یک سو شناخت بنیان‌های مشروعیت حکومت آل‌مظفر و از سوی دیگر، بررسی اقداماتی است که حاکمان مظفری برای تثیت قدرت و اثبات سزاواری و مشروعیت خود انجام دادند. صرف‌نظر از برخی پژوهش‌ها که در خصوص این حکومت صورت گرفته است، تحقیق در موضوع حاضر پیشینه مطالعاتی چندانی ندارد. تنها دو مقاله با مضمون «بررسی مشروعیت در حکومت‌های محلی قرن هشتم هجری» از فریدون الله‌یاری و دیگران و «مشروعیت ایرانی در حکومت‌های محلی قرن هشتم هجری» از جواد عباسی و زهره راضی نوشته شده است. در این مقالات اشارات اندکی به مسئله مشروعیت حکومت آل‌مظفر شده است. علاوه بر این موارد، برای فهم بهتر موضوع می‌توان به سراغ مسئله مشروعیت در سایر حکومت‌ها نیز رفت. از جمله می‌توان به مقاله «خاستگاه‌های اقدار و مقبولیت اجتماعی سلسه آل‌اینجو» از علی بحرانی‌پور و مقاله «بنیان‌های مشروعیت حکومت صفاریان از هوشنگ خسرویگی و عبدالله ساجدی» و رساله دکتری «تداوی و تحول در مبانی مشروعیت حکومت‌های ایران بعد از اسلام (از ظاهربیان تا حمله مغول)» از عبدالله ساجدی به راهنمایی

هوشنگ خسروییگی اشاره نمود. با این وجود، مقاله حاضر تنها اثری است که به صورت جداگانه به مبانی مختلف مشروعیت حکومت آل‌مظفر پرداخته است. به دلیل کمبود منابع درباره اندیشه سیاسی عهد آل‌مظفر به عنوان یک حکومت محلی، به ناچار بیشتر از رفشار سیاسی حاکمان مظفری به اندیشه سیاسی آنان پی‌برده شده است. روش این تحقیق تاریخی است، به شیوه توصیفی – تحلیلی نوشته شده و گردآوری اطلاعات در آن در حوزه مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است.

## ۱. چارچوب نظری تحقیق معنای لغوی مشروعیت<sup>۱</sup>

مشروعیت واژه‌ای عربی از ماده «شرع» به معنای «راه روشن و درست» است. شریعت به معنی «راه آشکار خدا بر بندگان» و «راه روشن و راست خداوند» است. شرعی یعنی آنچه مطابق احکام و فرامین الهی باشد.<sup>۲</sup> مشروعیت در فارسی مصدر صناعی و از کلمه مشروع است. در ادبیات سیاسی واژه حقانیت نزدیک‌ترین و مناسب‌ترین لغت برای معنای خاص مشروعیت است.<sup>۳</sup> چنانچه دیوید بیتمان نیز مشروعیت را حقانیت قدرت معرفی می‌نماید.<sup>۴</sup>

در معنای اصطلاحی مشروعیت یعنی توجیه عقلی اعمال قدرت حاکم و اینکه حاکم برای اعمال قدرت خود چه مجوزی دارد؟ به عبارت دیگر متنصم توانایی نظام سیاسی در ایجاد و حفظ این اعتقاد است که نهادهای سیاسی موجود مناسب‌ترین نهادها برای جامعه هستند.<sup>۵</sup> پژوهشگران برای مبانی مشروعیت حکومت‌ها عوامل متعددی چون: قهر و غلبه، سنت (وراثت؛ خون و نژاد؛ شیخوخیت)، فره (کاریزماتی شخصیتی)، منشا الهی، مشروعیت دینی را

۱ واژه مشروعیت (Legitimacy) از ریشه لاتین legitimate و از کلمه یونانی legitimus گرفته شده است و با کلمات legislation (قانونگذاری) و legislator (قانونگذار) هم‌ریشه است. اندرو وینستن (۱۳۷۶)، نظریه‌های دولت، ترجمه‌حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ج ۶، ص ۶۷، مشروعیت در لغت به معنای «قانونی بودن» و «مطابق با قانون» و «حقانیت» آمده است. اندرو هیوود (۱۳۸۷)، مفاهیم کلیدی در علم سیاست، ترجمه حسن سعیدی و عباس کاروان، تهران: نشر علمی و فرهنگی، ص ۳۶.

۲ احمد سیاح (۱۳۷۵)، فرهنگ جامع عربی – فارسی، تهران: کتابفروشی اسلام، ص ۷۸۸.

۳ Rightfulness، محمدرضا حاتمی (۱۳۸۹)، مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه، تهران: انتشارات علوم و فنون رازی، ص ۳۲.

۴ دیوید بیتمان (۱۳۸۲)، مشروع‌سازی قدرت، ترجمه محمد عابدی اردکانی، یزد: دانشگاه یزد، ص ۴۳؛ عبدالحمید ابوالمحمد (۱۳۷۶)، مبانی سیاست، تهران: نشر توسعه، ص ۲۴۴.

۵ وینستن، همان، ص ۶۷؛ محمد جواد لاریجانی (۱۳۷۳)، حکومت، مباحثی در مشروعیت و کارآمدی، تهران: سروش.

مطرح کرده و مورد بررسی قرار داده‌اند.<sup>۱</sup> در این مقاله تلاش خواهد شد ضمن معرفی کوتاه حکومت آلمظفر، بنیان‌های مشروعیت‌یابی این خاندان برای تحقق و استمرار حکومت مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲. آلمظفر

آل‌مظفر از نسل امیر غیاث‌الدین حاجی از مردم خوف خراسان هستند.<sup>۲</sup> پسران غیاث‌الدین حاجی در خدمت اتابکان یزد درآمدند. از آلمظفر هفت تن به فرمانروایی رسیدند. سرسلسله دودمان آل‌مظفر، امیر مبارز‌الدین محمد توانست بعد از یک دهه زد و خورد با مدعیان، عاقبت بر کرمان، فارس، اصفهان و نواحی وابسته به آن ولایات مسلط شود و شیراز را مرکز حکومت قرار دهد.<sup>۳</sup> در نهایت پس از مرگ امیر مبارز‌الدین محمد در سال ۷۶۵ق، جنگ خونین خانوادگی میان فرزندان و فرزندزادگان امیر‌مبارز‌الدین درگرفت. این جنگ‌های ممتد تا پایان عمر آلمظفر ادامه داشت و سرانجام دوران حکومت این سلسله توسط تیمور در ۷۹۵ق پایان پذیرفت.<sup>۴</sup>

## ۳. بنیان‌های مشروعیت حکومت آلمظفر

به دنبال فروپاشی حکومت ایلخانی، مدعیان حکومتی از خاندان‌های مختلف مغولی و خاندان‌های اشراف منطقه‌ای از یک سو و حکومت‌هایی همچون آل‌اینجو و آلمظفر که حاکمان محلی تابع ایلخانان بودند، برای اثبات شایستگی حاکمیت خویش به بهره‌گیری از منابع مختلف مشروعیت سیاسی روی آوردند.

<sup>۱</sup> علیرضا شجاعی زند (۱۳۷۶)، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، بررسی جامعه شناسی مناسبات دین و دولت ایران اسلامی، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان؛ حاتمی، همان.

<sup>۲</sup> معین‌الدین معلم یزدی (۱۳۲۶)، موهب‌الهی، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران: اقبال، ص ۲۷؛ محمود کتبی (۱۳۶۴)، تاریخ آلمظفر، به اهتمام عبدالحسین نوابی، تهران: امیرکبیر، ص ۳؛ محمدمبن سید برهان‌الدین خواندشاه میرخواند (۱۳۸۰)، روضة الصفا فی سیرة الانبياء والملوك والخلفاء، تصحیح جمشید کیان‌فر، ج ۴، تهران: اساطیر، ص ۲۴۴۸.

<sup>۳</sup> حسن بن شهاب‌الدین حسین یزدی (۱۳۰۲)، جامع التواریخ حسنی، نسخه خطی، شماره ۴۹۵اف، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۰۵؛ احمدعلی خان وزیری کرمانی (۱۳۴۰)، تاریخ کرمان (سالاریه)، تصحیح و مقدمه محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: کتابخانه خاندان فرمانفرما، ص ۱۷۸؛ معلم یزدی، همان، ص ۱۳۲.

<sup>۴</sup> احمدبن جلال‌الدین فضیحی خوافی (۱۳۸۶)، مجمل فضیحی، مقدمه و تصحیح محسن نصرآبادی، ج ۳، تهران: اساطیر، ص ۹۹۸؛ شرف‌الدین یزدی (۱۳۳۶)، ظفرنامه، تصحیح و اهتمام محمد عباسی، تهران: امیرکبیر، ص ۴۳۸.

## الف) قهر و غلبه

مشروعیت در سلسله‌های ایرانی قبل و بعد از مغول، یک شرط لازم برای تصاحب حکومت محسوب نمی‌شد، بلکه واقعیت متدرجی بود که باید با نشان دادن توانایی و استحقاق و بالاخره پیروزی بر دیگر مدعیان تاج و تخت به اثبات برسد. همچنین مشروعیتی که از ناحیه شمشیر حاصل می‌شد، در تمام دوران قبل و بعد از مغول احیاکنده و در همان حال زائل‌کننده هر نوع مشروعیت دیگری به شمار می‌رفته است.<sup>۱</sup>

در نظریه‌های موجود در اندیشه‌ورزان مسلمانان در خصوص تصدی خلافت سه شیوه مشروع برای استقرار مطرح گردیده است: (۱) انتخاب اصل حل و عقد؛ (۲) استخلاف (نصب توسط خلیفه پیشین)؛ (۳) زور و غلبه. از این منظر هرگاه شخصی بدون بیعت (اهل و عقد) و یا بدون استخلاف، صرفاً با تکیه و زور و شوکت خود منصب خلافت را به دست گیرد حکومت او مشروع خواهد بود. قاضی ابوعلی بن فراء از علمای قرن پنجم از امام احمد بن حنبل چنین نقل می‌کند: «امامت با زور و غلبه هم ثابت می‌شود و در این صورت احتیاج به عقد بیعت نیست هر چند آن حاکم فاسد باشد». سال‌ها بعد فضل الله روزبهان خنجی نیز استیلای هر کس که مردم را بتواند به اطاعت از خود وادار کند یکی از اسباب استقرار حکومت مشروع می‌داند.<sup>۲</sup> در قرن هشتم هجری دیگر نهاد خلافت وجود نداشت، بنابراین استیلا به خودی خود ایجاد کننده حق حاکمیت به شمار می‌آمد.

امراي مظفری با مقابله با راهزنان فارس و سرکوب طغیان افراسیاب اتابک لر بزرگ، محافظت از راههای اطراف یزد و سرکوب طایفه نکودری<sup>۳</sup> کم کم ترقی نمودند تا این که توانستند در ۷۱۸ق به حکومت یزد دست یابند.<sup>۴</sup> مرگ ابوسعید ایلخان را باید آغاز استقلال امیر مبارز الدین محمد مؤسس سلسله آل مظفر در یزد دانست. هنگامی که خبر فوت سلطان ابوسعید به امیر مبارز الدین محمد رسید، با دویست نفر از میبد به یزد رفت و خزانه شاهی را

۱ شجاعی زند (۱۳۷۶)، همان، صص ۱۸۵-۱۸۶؛ به عنوان نمونه نگاه شود به: تاریخ سیستان (۱۳۸۱)، مصحح محمد تقی ملک الشعرا، بهار، تهران: معین، ص ۲۲۵.

۲ ابویعلی محمدحسین بن فراء (۱۳۶۲)، احکام اسلام‌نایه، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۲۴.

۳ فضل الله خنجی (۱۳۶۲)، سلوک الملوك، ترجمه محمد علی موحد، تهران: خوارزمی، ص ۸۲.

۴ راهزنان نکودری، طایفه‌ای از مغولان بودند که در منطقه میان کرمان و سیستان ساکن بودند. چون سرکرده ایشان در موقع شکرکشی هلاکخان به ایران، نکودر نام داشته به این جهت بدین نام معروف شده‌اند. محمد بن سیدیرهان الدین خواندشان میرخواند (۱۳۳۹)، روضة الصفا فی سیرة الانبياء والملوک والخلفاء، ج ۴، تهران: خیام، صص ۴۵۳-۴۵۴.

۵ معلم یزدی، همان، صص ۳۴-۳۶؛ کتبی، همان، صص ۴۶؛ میرخواند (۱۳۳۹)، همان، ج ۴، ص ۴۴۹.

در تصرف گرفت و لشکریان را مرسوم داد و قریب هزار مرد بر وی جمع شدند. لوای سلطنت برافراشت و خطبه و سکه به نام خویش کرد.<sup>۱</sup> در این زمان مردم یزد و کرمان نیز به نیروی شمشیر امیر مبارز الدین محمد مظفری امیدوار شدند. علت تشکیل حکومت آل مظفر کمک یک گروه خاص نبود بلکه مردمان خسته از ستم حاکمان مغول بودند.

امیر مبارز الدین محمد بعد از یک دهه زد و خورده با مدعیان قدرت عاقبت توانست کرمان، فارس، شبانکاره، لرستان، اصفهان و مدتی آذربایجان را تصرف نماید.<sup>۲</sup> پس از وی، پسرانش شاه شجاع و شاه محمود همچنان با اتکا به قدرت شمشیر خویش توانستند قدرت حکومت خود را استمرار بخشنند.<sup>۳</sup>

بسیاری از منابع امیر محمد مظفری را فرمانروایی شجاع، سائس، مدبر و با عزم و اراده قوی و ضمناً صاحب نیروی جسمانی فوق العاده معروفی می‌کنند.<sup>۴</sup> با وجود این صفات بارز، او که هدفی جز تسلط بر تمامی ایران نداشت، طی دوران زمامداریش برای نیل به مقصد تا حد امکان از تلاش برای گسترش قلمرو با تکیه بر قدرت شمشیر خودداری ننمود. به واقع وی از زمانی که یزد را پس از مرگ ابوسعید ایلخان، با زور و شمشیر گرفت تا زمانی که زنده بود در جنگ و در گیری به سر می‌برد.

در اشاره ابن شهاب یزدی در جامع التواریخ به خوبی اعمال مبارز الدین در استفاده از قدرت شمشیر خویش برای رسیدن به اهداف مورد نظرش، مشخص است: «بسیاری بودی که در اثناء قرائت قرآن در نظر مصحف مجید جمعی را از اوغانیان حاضر کردندی به دست خویش ایشان را بکشتب و دست بشستی و پای مصحف به تلاوت مشغول شدی. شاه شجاع از پدر سؤال کرد که هزار کس در دست تو کشته شده باشد؟ گفت: هفتصد هشتصد آدمی باشد».<sup>۵</sup>

این قهر و غلبه به اتکای بهره‌برداری مناسب آل مظفر از توان نظامی خود و نیز بخشی از آن وابسته به روحیه جنگاوری حکمرانان اولیه این خاندان است. این روحیه جنگاوری نیز حاصل توان بدنی و نیروی سپاهیگری آنان بود. بخشی از زمینه‌های ارتقا آنان در دستگاه حکومتی

<sup>۱</sup> محمد مفید مستوفی بافقی (۱۳۸۵)، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، ج ۱، تهران: اساطیر، ص ۹۸.

<sup>۲</sup> معلم یزدی، همان، ص ۲۵۸.

<sup>۳</sup> غیاث الدین بن همام الدین خواندیمیر (۱۳۶۲)، حبیب السیر/خبر افراد پیش، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، ج ۳، تهران: کتابفروشی خیام، ج ۳، ص ۲۴۸.

<sup>۴</sup> معلم یزدی، همان، صص ۳-۱۴؛ کتبی، همان، ص ۳۶.

<sup>۵</sup> ابن شهاب یزدی، همان، ص ۴۹۵؛ میرخواند، همان، ج ۴، ص ۵۰۳.

مغول‌ها نیز به دلیل این توانایی بدنی بود؛ زیرا مغولان برای نیروی جسمی افراد اهمیت زیادی قائل بودند. این توانمندی و روحیه نظامی، امکان قهر و غلبه را برای این خاندان فراهم آورد. وسائل شخصی غیاث‌الدین حاجی نخستین فرد از آل‌مظفر همچون زره، شمشیر و کفش او به قدری بزرگ و غیرطبیعی بود که سال‌ها بعد از مرگش در مدرسه مظفریه در معرض دید عموم گذاشته شده بود. به نوشته صاحب کتاب *مواهب الہی*: «به‌غایت مردی قوی‌هیکل و بلندقاامت بود. چنانکه آورده‌اند که در یزد موزه‌ای که به پای او راست آید یافت نمی‌شد. قالبی نو ترتیب کردنده و شمشیر او به سنگ یزد سه من و نیم بود».<sup>۱</sup>

امیر مبارز‌الدین هم دارای بازوی توana و قدرتی بدنی فوق العاده بود. چنانکه در سن ۱۸ سالگی در حضور سلطان ابوسعید ایلخانی، برتری قدرت و زور بازوی خویش را نسبت به پهلوان پایتخت، نشان داد.<sup>۲</sup> او میدان‌دیده و کارآزموده بود.<sup>۳</sup> به علاوه امیر محمد برای رسیدن به اهداف خویش سماحت وصف ناپذیری داشت. در هنگام محاصره شیراز با وجود مرگ فرزندش و بیماری شدیدی که داشت گفته بود: «اگر من بمقدم تابوت من پیش ببرید و چندان سعی نمایید که شهر مسخر و مفتوح گردد».<sup>۴</sup>

در مورد شجاعت و قدرت شمشیر سایر حاکمان مظفری خصوصاً شاه منصور آخرین حاکم آل‌مظفر نیز منابع اطلاعات بسیاری ارائه می‌دهند. از جمله منابع عصر تیموری، شرح رشادت‌ها و قدرت نظامی شاه منصور را در جنگ با امیر تیمور گورکانی به تفصیل بیان نموده‌اند.<sup>۵</sup> صاحب کتاب مطلع سعدین و مجمع بحرین در مورد عکس‌العمل امیر تیمور هنگام شنیدن خبر کشته شدن شاه منصور می‌نویسد: «گفتی که چهل سال مضاف کردم و با دلیران و جنگ‌اوران نبرد آزمودم به مردانگی و شجاعت شاه منصور دیگری ندیده‌ام».<sup>۶</sup>

حاکمان مظفری با استفاده از پیروزی‌های نظامی و تصرف مناطق مختلف و غلبه، نوعی

۱ معلم یزدی، همان، ص ۲۷.

۲ جعفرین محمدبن حسن جعفری (۱۳۸۴)، *تاریخ یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: نشر علمی و فرهنگی، ص ۴۸؛  
احمدبن حسین بن علی کاتب (۱۳۴۵)، *تاریخ جدید یزد*، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ص ۸۹.

۳ معلم یزدی، همان، ص ۱۳.

۴ ابن شهاب یزدی، همان، ص ۴۲۵؛ میرخواند، همان، ج ۴، ص ۴۷۸.

۵ ابن عربشاه (۱۳۵۶)، *عجب‌ال McDور فی اخبار تیمور (زندگانی شگفت‌آور تیمور)*، ترجمه محمدعلی نجاتی، ج ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۴۱؛ یزدی، همان، ج ۱، ص ۴۳۳-۴۳۶.

۶ کمال الدین عبدالرزاقد سمرقندي (۱۳۸۳)، *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، محقق و مصحح عبدالحسین نوابي، ج ۱، تهران:  
پژوهشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي، ص ۲۳۳.

مشروعیت برآمده از زور و قدرت را کسب کردند. اما آنان دریافتند که برای تداوم حاکمیت‌شان و اعمال قدرت در سراسر ایران به بنیان‌های مشروعیت بخش دیگری نیاز دارند.

### (ب) مشروعیت دینی

به نظر می‌رسد در میان حکومت‌های محلی ایران در قرن هشتم هجری قمری حکومت آل مظفر بیش از همه بر مفاهیم دینی برای کسب مشروعیت تأکید داشت. از سلاطین این سلسله، امیر محمد مظفری در اجرای احکام دینی تلاش بسیار می‌نمود. محمود کتبی او را «شهریاری سائس و دیندار» معرفی می‌کند که «در تقویت دین و تنظیم شرع سیدالمرسلین و تربیت علماء و رعایت رعایا فکری متین و رأی رزین داشت».<sup>۱</sup>

امیر محمد قبل از توبه معروف‌اش در چهل سالگی، آنقدر عابد و زاهد شد که همه را به ستوه آورد. وی از دارالحکومه یزد تا مسجد جامع برای ادائی نماز جمعه پیاده راه را می‌پیمود.<sup>۲</sup> صاحب مواهب الٰهی در خصوص این جنبه از اعمال او این چنین می‌نویسد: «های و هوی مستانه به تکییر خدا پرستانه مبدل شد و گلبانگ می‌خواران به دعای دینداران عوض یافت... هر که دست در محترمات می‌زد پا به پای در حد منکرات می‌نهاد بی حد ادب می‌یافتد».<sup>۳</sup>

مهم‌ترین اقدام دینی امیر محمد و پرسش شاهنشجاع برای کسب مشروعیت فرمانروایی و استحکام امور سلطنت ارتباط با بازنده خلافت عباسی در مصر بود. علاوه بر این چون داعیه سلطنت ایران را داشت و می‌خواست عراق و آذربایجان را هم مسخر کند، محمد ایلچی را به عنوان قاصد فرستاد تا از «ابو بکر المعتضد بالله المستعصمی»<sup>۴</sup> خلیفه عباسی مصر به عنوان این که از احفاد مستعصم آخرین خلیفه عباسی است اجازه حاصل کند. ابو بکر عباسی و کیلی از طرف خود به ایران فرستاد که در موقع محاصره اصفهان به امیر محمد رسید و در قریه «ماروانان» از او بیعت گرفت و از این تاریخ نیابت خلافت به امیر محمد رسید. امیر محمد نیز نام خلیفه را در خطبه و سکه وارد کرد.<sup>۵</sup>

۱ کتبی، همان، ص ۳۴.

۲ همان، ص ۴۱.

۳ معلم بزدی، همان، ص ۵-۱۰۶.

۴ المعنف‌بدالله ابوالفتح ابویکر از ۷۵۳ تا ۷۶۳ق. عنوان خلافت داشت. پس از فتح بغداد به دست هلاکوخان و قتل آخرین خلیفه عباسی در بغداد، احمد بن‌الظاهر با مرالله که در زندان بود به مصر گریخت و در ۱۳ ربیع‌الثانی ۶۵۹ق بیبرس از ممالک مصر با او بیعت کرد و از آن پس دوره خلفای عباسی در مصر آغاز شد. حسینقلی ستوده (۱۳۸۵)، تاریخ آل مظفر، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۰۰.

۵ کتبی، همان، ص ۶۷.

همین بیعت او سبب شد که امیر محمد را «موعود بالمائة السابعة» گفته‌اند.<sup>۱</sup> وی حدیثی را مبنای دعوی خود قرار می‌دهد که محمود کتبی صاحب تاریخ آمل مظفر آن را از غرائب معجزات نبوی ذکر می‌کند.<sup>۲</sup> صاحب موهاب الہی نیز عنوان «مجدد مراسم الشریعه الغراء» را برای امیر محمد به کار می‌برد.<sup>۳</sup> بهترین تفسیر بیعت امیر با خلیفه عباسی مصر را عبدالرزاق سمرقندی ارائه می‌دهد. وی می‌نویسد: «جناب مبارزی چون می‌خواست قواعد حکومت را استحکام دهد، اندیشه بیعت بنی عباس در ضمیر او جایگیر شد».<sup>۴</sup>

پس از امیر مبارز الدین محمد، فرزند او شاهشجاع نیز با همه آزاداندیشی در قلمرو اندیشه‌های مذهبی، سرانجام همچون پدر با بازمانده خلافت عباسی در مصر بیعت کرد تا حکومت خود را از نظر سیاسی مذهبی مشروع سازد. شاهشجاع در ۷۷۰ ق با «المتوکل علی الله محمدبن‌ابی‌بکر العباسی» بیعت کرد.<sup>۵</sup>

برخی از رفتارهای امیر امیر مظفری نیز تداعی رفتارها و اقدامات فرمانروایان غزنی و سلجوقی است که بر اقدامات خود لیاس حمایت دینی می‌پوشانند. از جمله هنگامی که امیر محمد تصمیم به سرکوبی طوایف جرماه و اوغان ساکن کرمان گرفت که اغلب بر ضد او عصیان می‌کردند، عنوان کرد که آن جماعت بر سنت مغول به بت تعظیم می‌نماید. از علماء و فقهای کرمان حکم تکفیر آنان را گرفت و جنگ با ایشان را جهاد و غزا جلوه داد؛ از این رو او را «شاه غازی و امیر مبارز الدین و الدنیا» لقب دادند. خواجه حافظ شیرازی نیز در یکی از اشعارش او را «شاه غازی» خطاب می‌کند.

**شاه غازی خسرو گیتی‌ستان** آن که از شمشیر او خون می‌چکید<sup>۶</sup>  
یا هنگامی که امیر محمد پس از تصرف شیراز، رقیب شاه شیخ ابواسحق آخرین فرمانروای آمل اینجو را به اسارت گرفت، او را به فرزندان حاجی سیدضراب سپرد تا آنان او را در ازای قتل پدر خود به قصاص برسانند. وی بهانه قتل او را این عنوان کرد که او کشنده یک سید (حاجی سیدضراب) بوده است.<sup>۷</sup>

۱ جعفری، همان، ص ۵۳.

۲ همان.

۳ معلم یزدی، همان، ص ۱۱.

۴ عبدالرزاق سمرقندی، همان، ج ۱، ص ۳۰۳.

۵ کتبی، همان، ص ۹۶.

۶ خواجه شمس الدین محمد حافظ(۱۳۶۳)، دیوان حافظ، تصحیح ابوالقاسم انجوی، تهران: شرکت جاویدان، صص ۴۰۳-۴۰۲.

۷ سمرقندی، همان، ج ۱، ص ۳۸۰.

برخی از رفشارهای امرای مظفری برای کسب مقبوليت در میان رعایايش و کسب مشروعیت دینی تمسک به رفشارهای متشرعنانه و دین‌مدارانه بود. به نوشته منابع در آن روزها شهرت يافته بود که يك تار موی پیامبر اکرم (ص)، نزد خاندان مرتضی اعظم سیدشمس‌الدين علی بمن است. امير مبارز‌الدين در ۷۵۴ق قبل از رفتن به سمت شیراز و فتح آنجا به بم رفت تا آن را به دست بیاورد. سیدشمس‌الدين علی نیز مدعی شد که حضرت پیامبر (ص) در خواب امر کردند که «موی محمد به محمد مظفر ده». در ادامه گزارش گفته شده که امير محمد مظفری نیز املاک بسیار بر فرزندان مرتضی علی بمن وقف کرد.<sup>۱</sup>

امیر محمد بعد از آن و پس از تسلط بر فارس، به احترام و تشویق زهاد و فقهاء و متشرعنین پرداخت. مردم را وادار به شنیدن حدیث و تفسیر و فقه می‌کرد. خم و سبو می‌شکست، در میخانه می‌بست و در خانه زهد و ریا می‌گشود. در امر به معروف و نهی از منکر مبالغه می‌کرد.<sup>۲</sup> حتی پرسش شاهشجاع به صورت طنز درباره پدر می‌گوید:

در مجلس دهر ساز مستی پست است	نه چنگ به قانون و نه دف بر دست است
رنдан همه ترک می‌پرستی کردند	جز محتسب شهر که بی می‌مست است <sup>۳</sup>

این اقدامات امير محمد همچون خم شکستن و بیعت با بازمادرگان خلافت عباسی و ... در جهت کسب مشروعیت دینی و مقبوليت عامه، طبع ظرفی شاعران آن دوره نظری حافظ و عیید زاکانی را هم آزرده ساخت. چنانچه عیید در منظومه موش و گربه نسبت به اقدامات او اظهار بیزاری می‌نماید.<sup>۴</sup>

خواجه حافظ نیز از امير محمد بنابر آنچه از اشعار او به کنایه و اشاره بر می‌آید کراحت بسیار داشته است. امير محمد را رواج دهنده بازار ریا و خرافات می‌شمرده است. منظور حافظ از محتسب در غزل‌هایش، به احتمال فراوان امير محمد است. از جمله در غزلی که در ۷۵۸ یا ۷۵۹ق سروده شده یعنی اندکی پس از کشته شدن دوست و ولی نعمت خود شاه شیخ ابواسحق توسط امير محمد، از رویدادهای گوناگون و خونریزی و فتنه و فساد شکایت می‌کند.<sup>۵</sup> از جمله

۱ کتبی، همان، ص ۶۰؛ محمد میرکبن مسعود (۱۳۸۵)، ریاض الفردوس، به کوشش ابرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ص ۳۷۹.

۲ قاسم غنی (۱۳۵۰)، تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضائقات و ایالات مجاوره در قرن هشتم، تهران: کتابفروشی زوار، ص ۱۸۰.

۳ یحیی عبداللطیف قزوینی (۱۳۸۶)، لب التواریخ، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی، ص ۱۹۳.

۴ عیید زاکانی (۱۳۴۳)، کلیات عیید زاکانی، مصحح عباس اقبال، تهران: زوار، صص ۳۵-۳۴.

۵ حافظ، همان، ص ۱۱۶.

در غزلی با مطلع زیر:

اگر چه باده فرحبخش و باد گلیز است  
به بانگ چنگ مخور می که محتسب<sup>۱</sup> تیز است.

امیر محمد در باب تظاهر به دینداری تا جایی پیش رفت که در صدد برآمد جنازه سعدی شاعر بزرگ قرن هفتم هجری را از قبر بیرون آورد و آن را آتش بزند؛ زیرا اشعار سعدی را خلاف دین می دانست اما شاهشجاع با خواندن بیتی از سعدی مانع شد.<sup>۲</sup>

این گونه رفتارها در مورد دیگر فرمانروایان مظفری نیز گزارش شده است. از جمله سلطان احمد مظفری برای شکست رقیبیش سلطان بازیزید نذر کرد و به قرآن کریم تقاضاً زد.<sup>۳</sup> شاهشجاع نیز دستور داده بود که مرقدش در مکه ساخته شود.<sup>۴</sup> گفته شده در یکی از جنگ‌ها قبل از رویارویی با دشمن ناگاه علمی به تحفه از جانب شهر مدینه برای شاهشجاع آورد شد و او نیز «دست اعتماص بر آن زد و آن منازل که تأخیر واقع شده بود به یک منزل طی کرد».<sup>۵</sup>

به گزارش یکی از منابع، شاهشجاع در عهدنامه‌ای به امیر تیمور نوشته، ضمن استناد به آیات قرآن و یاد کردن از حضرت رسول(ص)، تمام فرزندانش را به امیر تیمور سپرد.<sup>۶</sup> در واپسین روزهای زندگی اش نیز به ده حافظ قرآن دستور داد به صورت مدام برای وی آیات الهی را قرائت کنند و هر روز یک ختم کلام‌الله بر سر بالین وی به جا آورده شود.<sup>۷</sup>

این گونه رفتارها در فعالیت‌های معماری آنها نیز قابل روئیت است. امرای مظفری ساخت اماکن دینی مانند مساجد، مدارس، مقبره‌ها، خانقاها و گنبدها را وجه همت خود قرار داده بودند. مسجد جامع کرمان از یادگارهای این دوره است که امیر مبارز‌الدین محمد در سال ۷۵۰ ق دستور ساخت آن را صادر کرد.<sup>۸</sup> عمال الدین احمد برادر شاهشجاع هم مسجد پامنار را در ۷۹۳ ق ساخت. علاوه بر کرمان در یزد نیز مساجدی به دستور سلاطین آل مظفر ساخته شد.<sup>۹</sup>

<sup>۱</sup> حافظ در بعضی از غزل‌ها که در دوران حکومت او سروده در بعضی موارد به رعایت موقع و مقام امیر مبارز‌الدین محمد را به پیروی از شاه شجاع محتسب خوانده و در بعضی موارد دیگر او را «واعظ شهر» نامیده است (رکن‌الدین همایون فخر (۱۳۶۹)، حافظ خرابانی، تهران: اساطیر، ص ۵۲۹).

<sup>۲</sup> معین‌الدین نظرنی (۱۳۸۳)، منتخب التواریخ معینی، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر، صص ۱۵۲-۱۵۳.

<sup>۳</sup> خواندمیر، همان، ج ۳، ص ۳۲۰.

<sup>۴</sup> کتبی، همان، ص ۹۶.

<sup>۵</sup> همان، صص ۹۴-۹۳.

<sup>۶</sup> یزدی، همان، ج ۱، صص ۳۱۰-۳۱۱.

<sup>۷</sup> کتبی، همان، ص ۱۱۲؛ میرخواند (۱۳۸۰)، همان، ج ۴، ص ۳۵۴۶.

<sup>۸</sup> کتبی، همان، صص ۵۷-۵۸؛ مستوفی بافقی، همان، ج ۱، ص ۱۲۱.

<sup>۹</sup> کاتب، همان، ص ۴۸۴.

در این دوره اهتمام بیشتری به ساخت مدارس صورت گرفت و مدارس متعددی احداث گردید. در قرن هشتم هجری حدود یکصد مدرسه، دویست گنبدخانه و خانقه و دوازده مسجد در شهر یزد بنا شد.<sup>۱</sup> از فراوانی مدارسی که در این زمان در شهرهای یزد، میبد، کرمان، شیراز و سایر شهرها بنا شده، می‌توان به میزان توجه و اهتمام مردم به تحصیل علوم مذهبی پی‌برد. از جمله این مدارس می‌توان به مدرسه ترکانیه<sup>۲</sup>، مدرسه میبد<sup>۳</sup>، مدرسه مظفریه<sup>۴</sup> و مدرسه آخوریه<sup>۵</sup> اشاره نمود. دارالسیاده‌ها نیز از مکان‌های مذهبی بودند که در دوره آل مظفر برای آموزش احداث شده است.<sup>۶</sup> بیشتر علمای مذهبی در این مراکز علمی به تدریس اشتغال داشتند. علمای مذهب تسنن در قلمرو امیر محمد و جانشینانش برای رواج قواعد و قوانین به تأثیفات پرداخته یا بر کتاب گذشتگان شرح و حاشیه نوشته‌ند تا فهم طالب را برای پیروان خود آسان‌تر سازند. در سایه چنین سیاستی بود که علوم دینی رشد کرد. مخالفت علماء و فقهاء با علوم عقلی به‌ویژه با فلسفه و حکمت مشکلات بسیاری را به وجود آورد و نابود کردن کتاب‌های فلسفه و حکمت در سرزمین‌های مذهبی ضایعه بزرگی شمرده می‌شود. در حالی که علوم عقلی رونقی نداشت اصولاً این گونه موضوعات یا علم به حساب نمی‌آمد یا خلاف شرع بود.<sup>۷</sup> در مواجهه‌ی<sup>۸</sup> الهی در این باره آمده است: «کتب محرمۃ الانتفاع را اشارت فرمود تا در این ایام در آب بشویند و آنرا چون برگ گل بر باد دهن و مبانی اصول فلسفه و قواعد فروع مبتدعه را مذموم کرد».

ملازمت با علماء از دیگر رفتارهای امراء مذهبی در این زمینه بود. چنانکه امیر محمد در میبد ملازمت مجلس علماء و فضلا اختیار کرد. مولانا عضد الدین ایجی از جمله علمای بزرگ عصر است که امیر محمد نسبت به او احترام بسیار به جا می‌آورد و مواجهی جهت مصارف او و ملازمتش در نظر گرفت. معروف است در مدت مختصری که مولانا عضد الدین مقیم اردوبی امیر محمد بود، شاه شجاع، شرح مختصراً اصول ابن حاجب از تأثیفات مهم و معروف قاضی عضد را نزد او آموخت. علاوه بر این موارد تمامی حاکمان آل مظفر میرید محمد شاه

۱ اکرم سرآبادانی تفرشی (۱۳۸۹)، «نظری بر دستاوردهای فرهنگی و تمدنی‌آل مظفر»، مجله تاریخ پژوهان، ش. ۲۲، ص. ۹۶.

۲ کتبی، همان، ص. ۷۱.

۳ جعفری، همان، ص. ۴۷.

۴ کتبی، همان، ص. ۶۲.

۵ جعفری، همان، صص ۱۲۵، ۱۲۹.

۶ معلم بیزدی، همان، ص. ۲۰۹.

۷ محمد حسن میرحسینی (۱۳۸۷)، آل مظفر، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، صص ۶۷-۶۶.

۸ معلم بیزدی، همان، ص. ۲۰۹.

پسر تقی‌الدین دادا محمد بودند و نیز مجلس وعظ مولانا عزالدین ابراهیم فیروزانی که در ۷۹۸ ق در یزد وفات یافته حاضر می‌شدند. شاه منصور مظفری نیز پس از استقرار بر تخت سلطنت در شیراز، دستور داد تا مواجب روزانه برای سادات و علماء را صد تومان قرار دهند. حاکمان مظفری با استفاده از مفاهیم دینی در صدد حفظ، تداوم و مشروع جلوه دادن قدرت خویش بودند.

### ج) مشروعیت ایرانی

حکومت‌های محلی قرن هشتم هجری قمری در جستجوی مشروعیت و تحکیم سلطه خویش، از منتبه ساختن خود به حکومت‌های ایران باستان<sup>۱</sup> و یا استفاده از نمادهای این دوره بهره گرفته‌اند. از جمله این حکومت‌ها می‌توان به آل کرت، سربداران و آل اینجو اشاره نمود که به مشروعیت ایران باستان رغبت بسیار داشتند. در این میان حکومت آل مظفر نیز از نمادهای باستانی ایرانی بهره جست هرچند که میزان این بهره‌وری نسبت به سایر حکومت‌ها خصوصاً آل اینجو اندک بود. از محدود نشانه‌های مشروعیت ایرانی که در منابع مربوط به آل مظفر به آنها اشاره شده می‌توان به مطالب ذیل اشاره نمود:<sup>۲</sup>

هنگامی که امیر شرف‌الدین مظفر در خدمت اتابکان یزد به مرتبه امارت رسید، در خواب دید «آفتاب از خانه علاء‌الدوله برآمده و به گریبان او فرورفتی داد و او بر پای خاستی و آفتاب قریب پنجاه قطعه از دامانش فرو ریختی». امیر محمد واقعه مزبور را به یکی از علماء عرض نمود. شیخ وی را به انتقال دولت از دودمان اتابکان به خاندان او بشارت داد و عاقبت چنان شد که او گفته بود. روز به روز بر روتق کار امیر افزوده شد.<sup>۳</sup> احتمال داده می‌شود که خاندان مظفری حکومتشان را صاحب فره ایزدی و مورد عنایت خداوند می‌دانستند. به نحوی که مهم‌ترین مورخ این خاندان یعنی معین‌الدین یزدی صاحب موهاب‌الله سلاطین مظفری را «ظل الله فی الارضین» معرفی می‌کند و در مورد امیر مبارز‌الدین محمد نقل می‌کند: «نور خسروی در

۱ این منتبه سازی یا بهره گرفتن از تفکر حکمرانی در دوره باستان، در دهه اخیر تحت مفهوم «اندیشه ایرانشهری» از سوی سید جواد طباطبائی مطرح شده است (نک: سید جواد طباطبائی (۱۳۸۷)، درآمدی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر، چ. ۹). صرف‌نظر از این مفهوم، در اینجا منظور کاریست اندیشه‌های حکمرانی حکومت‌های دوره باستانی ایران و استفاده از انگاره‌ها، کلمات و نمادهای مرتبط با دوره باستان ایران است؛ و منظور از مشروعیت ایرانی، این نوع انتساب و ایجاد وابستگی خود به حکومت یا یکی از خاندان‌های حکمرانی دوره باستان ایران است.

۲ مستوفی بافقی، همان، ج ۱، ص ۹۵.

۳ کتبی، همان، ج ۱، ص ۳۰۵. حسینی فسایی، همان، ج ۱، ص ۳۰۵.

پیشانی مبارکش دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

از دوره حکومت خاندان مظفری در فارس ویرانه‌های کاروانسرایی در پاسارگاد و کتبیه آن باقی است که از آثار دوره شاهشجاع است. این بنا را در جانب شمالی و نزدیک آرامگاه کوروش ساخته‌اند.<sup>۲</sup> در این کاروانسرا کتبیه‌ای با ابعاد ۶۵ در ۴۵ بدست آمده که بر روی آن لقب «سلطان المطاع الفوارس» نوشته شده است. در موزه تخت جمشید کتبیه‌ای دیگر از کاروانسرا مظفری پاسارگاد نگهداری می‌شود که علی سامی متن آن را خوانده است. بر آن عبارت «مالک هفت اقلیم» نگاشته شده بود.<sup>۳</sup> همچنین بر روی سکه‌های مکشوفه شاهشجاع<sup>۴</sup> در اینجا و در مکان‌های دیگر عبارت «السلطان المطاع شاهشجاع» آمده است.<sup>۵</sup>

علاوه بر این کتبیه‌ها، چهار کتبیه دیگر از خاندان مظفری در کاخ تخر تخت جمشید (از بناهای داریوش اول هخامنشی) وجود دارد که سه کتبیه از چهار کتبیه به نام سلطان بازید فرزند امیر محمد است.<sup>۶</sup> کتبیه‌ای نیز در سال ۷۷۳ق به نام بدیع الجمال دختر ظهیرالدین بهرام شاه و همسر سوم امیر محمد بر پنجه اول این کاخ نشانده‌اند که گواهی است بر همزمانی حضور مادر و پسر در کاخ تخر.<sup>۷</sup>

وجود کتبیه‌های فوق در دوران آل مظفر نشان دهنده این امر است که حاکمان مظفری هر چند اندک، به حکومت‌های دوره باستان توجه داشتند و در میان ویرانه‌های تخت جمشید و پاسارگاد برای خود پایه مشروعیتی جستجو می‌کردند. همچنین شاهشجاع در نامه‌ای به شاه منصور نصیحت می‌کند که به موقعت انوشیروان اقتدا کند<sup>۸</sup> و باز هم شاهشجاع در جواب

۱ معلم بیزدی، همان، صص ۱۰، ۴۰.

۲ محمد صادق میرزا الواقسمی (۱۳۸۷)، کتبیه های یادمانی فارس (بناهای قرن هشتم تا دهم هجری)، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی، ص ۴۴.

۳ علی سامی (۱۳۵۰)، پارس گند: پاسارگاد پایتخت و آرامگاه کوروش بزرگ، شیراز: انتشارات کل فرهنگ و هنر فارس، ص ۱۶۴.

۴ سکه دیگر شاه شجاع از جنس نقره در سال ۷۶۰ق در شیراز ضرب شده است. در حاشیه آن ابیکر، عمر، عثمان و علی حک شده و روی سکه المعتصد السلطان المطاع شاه شجاع و پشت سکه لا اله الله محمد رسول الله آمده است (سکه‌های ایران زمین از دوره هخامنشی تا پایان دوره پهلوی (۱۳۹۰)، به کوشش علی اصغر شریعت‌زاده، تهران: پارینه، ص ۲۴۰).

۵ همان، ص ۵۰.

۶ غنی، همان، صص ۴۱۳-۴۱۵؛ ستوده، همان، ج ۱، ص ۲۳۰.

۷ میرزا الواقسمی، همان، ص ۸۲؛ علی سامی (۱۳۵۳)، «یادبود دیدار پادشاهان از تخر کاخ داریوش بزرگ و تخت جمشید»، نشریه هنر و مردم، دوره ۱۳، ش ۱۴۸، ص ۸.

۸ جواد عباسی و زهره راضی (۱۳۹۳)، «مشروعیت ایرانی در حکومت‌های ایران در قرن هشتم هجری»، مجله پژوهش نامه تاریخ‌های محلی ایران، ش ۴، ص ۹۴.

نامه‌ای به یکی از امراء حکومتش را ادامه حکومت اردشیر بابکان معرفی می‌کند.<sup>۱</sup>

#### د) مشروعيت امنیت خواهی و عدالت طلبی

در اندیشه حکمرانی ایرانی، فرمانروایانی مقبول هستند و می‌توانند مشروعيت کسب کنند که در اجرای وظایف سنتی حکمرانان موفق باشند. این وظایف بر سه محور امنیت، برپایی عدالت و عمران و آبادی ملک است. قرن هشتم هجری، یکی از پرآشوب‌ترین دوره‌های تاریخی ایران به شمار می‌آید. در چنین وضعیتی بود که برقراری امنیت و عدالت‌خواهی از بنیان‌های مشروعيت‌بخش حکومت‌ها از جمله آل‌مظفر شناخته می‌شد. علت آنکه مردم در مقابل قدرت شمشیر و اعمال زور حاکمان مظفری خصوصاً در زمان سلطنت امیر محمد و پسرش شاه‌شجاع، اظهار اطاعت و بندگی می‌کردند و قدرت آنان را مشروع می‌دانستند، نیازشان به امنیت و عدالت بود. در این دوره ایالت‌های مختلف عرصه تاخت و تاز حاکمان و طایف سرگردان مغولی بود.<sup>۲</sup> اهمیت اساسی حکومت آل‌مظفر استقرار نظم و امنیت در حد فاصل یزد، فارس و کرمان بود. حتی در شرایط جنگ‌های پیاپی آنها با آل‌اینجو نیز اختلال چندانی برای این نظم و امنیت ایجاد نشد. نکته مهم آنکه همین نظم و امنیت ایجاد شده، اساس قدرت و یکی از پایه‌های مشروعيت مظفریان به شمار می‌آید. برقراری نظم و امنیت نقطه آغازین قدرت‌گیری آل‌مظفر بود. حاکمان آل‌مظفر از همان ابتدا شروع به سرکوب مغولان ساکن فارس و کرمان کردند و این مهم تا سال‌ها ادامه یافت. از جمله اینان مغولان نکودری بودند که از سمت شرق ایران به فارس و کرمان حمله می‌کردند. مظفریان پس از جنگ‌های متعدد و در مدت زمان طولانی بالاخره نکودری‌ها را به طور کامل شکست دادند. علاوه بر این مغولان اوغان و جرمان نیز در مقابل حملات پیاپی امیر مبارز الدین محمد تسليم شدند و به سپاه آل‌مظفر اضافه شدند. در نتیجه در دوران آل‌مظفر شاهد به زیر کشیده شدن مغولان در نیمه جنوبی کشور هستیم و حتی امیر مبارز الدین محمد و شاه‌شجاع به صورت جداگانه پایتحث ایلخانان را هر چند برای مدتی بسیار کوتاه تصرف کردند. این اقدامات آنان کمک بسیاری به گسترش تجارت خلیج فارس نمود. در این راه تلاش بسیار کرده و موفق هم شدند، امری که حتی دولت ایلخانان نیز از

۱ عبدالله بن لطف الله حافظ ابرو (۱۳۷۵)، *جغرافیای حافظ ابرو، تصحیح و تحقیق صادق سجادی*، ج ۳، تهران: میراث مکتب، ص ۱۵۸.

۲ معلم یزدی، همان، ص ۵۸؛ قزوینی، همان، ص ۹۲.

دستیابی بدان باز مانده بود. چنانکه تصرف بم توسط آل مظفر برای احیای موقعیت دریابی فارس و کرمان حائز اهمیت بود. مظفریان توانستند راه‌های تجاری در نیمه جنوبی ایران را با سرکوب مغولان نکودری، عرب‌ها، مغولان اوغان و جرمان بهبود بخشدند.<sup>۱</sup>

برقراری نظم و امنیت که زمینه‌ساز رونق اقتصادی و فرهنگی روزگاران بعد شد، مظفریان را در مقام یک حکومت تا حدی موفق هم نشان داد. این حکومت کم‌ویش نیمة جنوبی کشور را در اختیار گرفت و با توجه به فتوحات در نیمة شمالی ایران هم، فراتر از یک دولت محلی ظاهر شد. در این دوران آشوب‌زده در کنار امنیت، عدالت نیز مفهومی کلیدی در مشروعیت دولتها محسوب می‌شد که از خلال گزارش‌های مورخان آشکار می‌شود.

رعایت عدالت در اندیشه سیاسی این سرزمین همیشه مورد توجه بوده است. چنانچه خواجه نظام‌الملک اشاره می‌کند: «چاره نیست پادشاه را از آن که هر هفتة دو روز به مظالم بنشیند و داد از بیدادگر بستاند و انصاف بدهد...». همچنان که دادگری و عدالت سبب بقای استواری ملک است. ظلم و بیداد نیز مایه زوال دولت است. حاکمان مظفری نیز برای کسب مشروعیت ناگزیر از اجرای عدالت در قلمرو خویش بودند.

سلطین آل مظفر به این جهت توانستند تا حدی به آبادانی جنوب ایران بپردازند. از جمله زمانی که امیر محمد فارس را تصرف نمود، بلافصله بنیاد عدالت و رعیت پروری نهاد.<sup>۲</sup> به طوری که صاحب مواهب الهمی در مورد عدالت وی چنین می‌سراید:<sup>۳</sup>

لطفت به کرم چاره بیچاره کند      عدالت ستم از زمانه آواره کند.

همچنین معین‌الدین یزدی به کرات از عدالت امیر محمد سخن به میان آورده و او را «مظہر آیات العداله» خوانده است.<sup>۴</sup> صاحب کتاب تاریخ آل مظفر نیز شاهنشجاع را «سلطانی عادل خجسته سیما» معرفی می‌کند. شاهنشجاع با اطلاع از نابسامانی‌های اهالی کرمان در بستر مرگ به برادرش سلطان احمد وصیت نمود که «مردم کرمان فقیر و مظلومند با ایشان به نوعی رفتار کن که به کرم و عدالت و مرحمت قرین باشد».<sup>۵</sup> افزون بر آن در منابع حکایات فراوانی درباره

۱ عبدالرسول خیراندیش (۱۳۹۴)، فارسیان در برابر مغولان، تهران: انتشارات آبادیوم، ص ۱۸۱.

۲ کتبی، همان، ص ۶۴.

۳ معلم یزدی، همان، ص ۱۲.

۴ همان، صص ۱۱، ۱۳.

۵ کتبی، همان، ص ۸۱.

۶ غنی، همان، ص ۳۱۷.

عدالت امیر محمد، شاهشجاع، شاه یحیی و دیگر حاکمان آل مظفر ذکر شده است.<sup>۱</sup>

از جمله اقدامات امیر محمد مظفر و دیگر شاهزادگان و خوانین مظفری در آبادانی سرزمین، ایجاد روستاهایی در اطراف یزد و جاری ساختن قنات‌هایی در این شهر است. مؤلف تاریخ جدید یزد در مورد این شهر در این دوران می‌گوید: «معمولی ولایت به مرتبه‌ای رسیده بود که مردم دهاقن را عوامل کار نفرمودی و غله و پنبه و میوه که به شهر آوردنده بره اسب و استرها بار کردندی و جامه‌های زیبا از دیبا و قصب پوشیدندی و مرغهای فربه را به برج در میان شیر جوشیدند».<sup>۲</sup>

علاوه بر این، سلاطین مظفری در این دوران در فارس، کرمان، یزد و اصفهان ابنيه خیریه و عام‌المنفعه همچون بیمارستان بنا نمودند و به مرمت حصار و برج‌های اطراف شهرها اقدام کردند و برای هر یک موقوفاتی از اراضی زراعی و باغ و بازار معین کردند که منبع درآمدی برای آن مخارج باشد. غیر از پادشاهان آل مظفر اطرافیان سلطان و بعضی از عملاء دولت و صاحبان ثروت نیز برای جلب نظر مردم نسبت به خود و یا امر خیر آخرت به نبای ابنيه خیریه اقدام کردند.<sup>۳</sup>

بناهای متعدد باقی مانده از عصر مظفری همه گواه از آن دارد که این دودمان دغدغه آباد کردن، ایجاد امنیت و اجرای عدل را به منظور جلب رضایت مردم داشت. هر چند که در نه سال پایانی حکومت مظفریان با توجه به جنگ‌های مدام میان اعضای خاندان مظفری، قتل و نابینا ساختن همیگر، مردم گرفتار و جنگ و ستیز و آشوب شدند و حکومت آل مظفر مشروعیت ابتدایی خویش را از دست داد به نحوی که هنگام حمله تیمور نه تنها مقاومتی صورت نگرفت بلکه از مدت‌ها قبل بخشی از مردم آرزوی بر هم زدن چنین هرج و مرجی را داشتند.

#### و) مشروعیت برآمده از توجه به کلیه گروه‌های مذهبی

حاکمان مظفری از اهل سنت و پیرو فقه شافعی بودند، در عین حال به بزرگان مذهب شیعه احترام می‌گذاشتند و مقام سادات را نیز رعایت می‌نمودند. سلطان زین العابدین حاکم آل مظفر،

۱ مستوفی بافقی، همان، ج ۱، ص ۱۵۱؛ میرخواند، همان، ج ۴، ص ۲۵۵؛ حسینی منشی، همان، ص ۲۸۶.

۲ کاتب، همان، ص ۲۱۳.

۳ کتبی، همان، ص ۶۶؛ جعفری، همان، صص ۵۰-۵۱؛ کاتب، همان، ص ۸۴.

از طرف مادر تشرف سیادت یافته بود.<sup>۱</sup> مؤلف تاریخ شیراز در این باره اشاره می‌کند که صرف نظر از معتقدان بسیار اندک سایر ادیان، بقیه ساکنان شیراز - پایتخت حکومت آل مظفر - پیرو یکی از مذاهب تسنن و تشیع و مکاتب مختلف تصوف بوده‌اند.<sup>۲</sup> حاکمان مظفری به خوبی می‌دانستند از لحاظ کمیت پس از تسنن، شیعیان قرار دارند و برای جلب نظر آنان و کسب مقبولیت حداکثر مردم دست به اقداماتی در این زمینه می‌زدند.

بنا به نوشته مؤلف موأهاب الله، امیر محمد در ۷۳۴ که در سلطانیه به خدمت سلطان ابوسعید بهادرخان رسید با وی عازم بغداد شد و با خلوص اعتقاد به زیارت امام المتقین علی بن ابی طالب رفت و حاجات خود را به خضوع و خشوع طلب نمود.<sup>۳</sup> قبل از امیر محمد نیز پدرش شرف الدین مظفر به همراهی سلطان محمد او لجایتو به بغداد رفت و به زیارت قبر حضرت علی (ع) مشرف گشت.<sup>۴</sup> زمانی نیز که در یک جنگ، امیر محمد چندین زخم برداشت و هنگامی که پهلوان علیشاه بمی در صدد نجات وی برآمد، امیر محمد اشاره نمود نیازی به نجات من نیست و بیست سال قبل از این در حرم حضرت امیر المؤمنین علی - کرم الله - آرزوی شهادت نمود.<sup>۵</sup>

همچنین اهل تصوف گروه دیگری هستند که توجه و اقبال مردم به آنها می‌توانست در جهت کسب مشروعیت و مقبولیت به حاکمان مظفری کمک بسیار نماید. در این دوره نیز حاکمان مظفری حمایت از مشایخ و صوفیان را تدبیری برای کسب مقبولیت حکومت خود می‌دانستند. امیر مبارز الدین محمد به واسطه مراوده با دربار ایلخانان و با توجه به اوضاع زمانه خود، احترام به شیوخ و متولیان مذهبی را همواره سرلوحه خود داشت. همچنانکه امیر محمد به هیچ وجه از حرف‌های شیخ شهاب‌الدین علی با عمران تجاوز نمی‌نمود.<sup>۶</sup>

### نتیجه‌گیری

دودمان مظفری کار خود را از رهداری ولایت یزد (راههای مبید و ندوشن - کرمانشاهان در

۱ مستوفی بافقی، همان، ج ۱، ص ۱۵۱؛ میرخواند، همان، ج ۴، ص ۳۵۵۹.

۲ حسن خوب نظر (۱۳۸۰)، تاریخ شیراز (از آغاز تا ابتدای سلطنت کریم خان)، به کوشش جعفر مؤید شیرازی، تهران: نشر سخن، ص ۵۶۱.

۳ معلم بیزدی، همان، ص ۸۸.

۴ کاتب، همان، ص ۷۹.

۵ کتبی، همان، ص ۵۳.

۶ سمرقندی، همان، ج ۱، ص ۱۹۷.

مسیر یزد - کرمان) آغاز کردند و با کاردارانی و موقعیت‌شناسی از یکسو و قدرت زور و غلبه از سوی دیگر بر نواحی جنوبی و مرکزی تسلط یافتند. نخستین بنیان مشروعیت‌بخش حکومت آنان استفاده به موقع از قدرت شمشیرشان بود اما رفته رفته برای تداوم حاکمیت‌شان به سایر مبانی مشروعیت نیز متولّ شدند. حاکمان آل‌مظفر هر چند به اندیشه ایرانشهری به عنوان یکی از عناصر مشروعیت‌زای حکومتشان پی‌توجه نبودند، اما دین را به عنوان مهم‌ترین بنیان مشروعیت‌بخش حاکمیتشان قرار دادند. اعمال به ظاهر زاهدانه امیر‌مبارز‌الدین و سایر امراء آل‌مظفر در راه کسب مشروعیت دینی و جلب نظر عامه مردم بود. یکی از مهم‌ترین مبانی مشروعیت حکومت آل‌مظفر دست بیعت دادن به بازماندگان خاندان خلافت عباسی در مصر بود. امراء مظفری برای استحکام قدرت حکومتشان و فتح سراسر ایران به اندیشه بیعت با خلفای عباسی افتادند. در عین حال در قلمرو تحت حاکمیتشان برای کسب اقبال عامه علاوه بر اهل تسنن به سایر گروه‌های مذهبی نیز توجه داشتند. همچنین آل‌مظفر در دوره‌ای بر بخش‌های مرکزی و جنوبی ایران حکمرانی یافتند که ساختارهای اجتماعی کمایش‌دچار گسیختگی شده بود. کرمان در معرض هجوم طوایف صحراء‌گرد قرار داشت و یزد و فارس نیز در مرحله رقابت‌های آل‌مظفر، آل‌اینجو و اتابکان یزد دچار آشوب‌های سیاسی شده بود. راه‌های تجاری جنوبی که به خلیج فارس و دریای مکران می‌رسیدند یا از طریق مکران و سیستان به شرق راه می‌یافتد در عرصه تاخت و تازهای گوناگون، کارایی قبلی خود را از دست داده بود. در چنین شرایطی آل‌مظفر تا حدی توانستند نظم و امنیت را برقرار نمایند و از این رهگذر مشروعیتی حاصل کنند.

استفاده آل‌مظفر از عناصر مختلف مشروعیت‌بخش نشان از آن دارد که هیچ یک از این عناصر به تنهایی نمی‌توانسته تداوم حکومت این خاندان و نیز مشروعیت و مقبولیت آنان را تأمین کند، و این خاندان به دلیل قدران پیشینه حکمرانی خاندانی و کاریزماتیک حکمرانی، به‌نارچار به همه عناصر مشروعیت‌زای در دسترس دست یازیده‌اند.

## منابع و مأخذ

- ابوالمحمد، عبدالحمید(۱۳۷۶)، مبانی سیاست، تهران: نشر توسع.
- ابن‌شہاب یزدی، حسن بن‌شہاب‌الدین حسین (۸۰۲ق)، جامع التواریخ حسنی، نسخه خطی، ش ۴۹۵/ف، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.

- ابن عربشاه (۱۳۵۶)، *عجبای المقدور فی اخبار تیمور (زندگانی شگفت آور تیمور)*، ترجمه محمد علی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ابن فراء، ابویعلی محمد حسین (۱۳۶۲)، *احکام السلطنه*، قم: مرکز نشر دفتر تبلیغات اسلامی.
- بحرانی پور، علی و زارعی، زهرا (۱۳۸۹)، «خاستگاه‌های اقتدار و مقبولیت اجتماعی سلسله آل اینجو ۷۲۵-۷۵۴»، مجله تاریخ اسلام و ایران، ش. ۸، صص ۲۹-۵۴.
- بیتهام، دیوید (۱۳۸۲)، *مشروع سازی قدرت*، ترجمه محمد عابدی اردکانی، یزد: دانشگاه یزد.
- تاریخ سیستان (۱۳۸۱)، به تصحیح محمد تقی ملک الشعرا، تهران: معین.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۸۴)، تاریخ یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۸۹)، *مبانی مشروعیت حکومت در اندیشه سیاسی شیعه*، تهران: انتشارات علوم و فنون رازی (پژوهش سرای رازی).
- حافظ، خواجه شمس الدین محمد (۱۳۶۳)، *دیوان حافظ*، تصحیح ابوالقاسم انجوی، تهران: شرکت جاویدان.
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله (۱۳۷۵)، *جغرافیای حافظ ابرو*، تصحیح و تحقیق سجادی، تهران: میراث مکتب.
- حسینی فسایی، میرزا حسن (۱۳۸۲)، *فارستامه ناصری*، تصحیح و تحشیه منصور رستگار فسایی، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- حسینی منشی، محمد میرک بن مسعود (۱۳۸۵)، *ریاض الفردوس خانی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنیاد موقوفات محمد افشار.
- خسرویگی، هوشنگ و ساجدی، عبدالله (۱۳۹۴)، «بنیان‌های مشروعیت حکومت صفاریان سیستان»، مجله پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، س. ۳، ش. ۲.
- خنچی، فضل الله (۱۳۶۲)، *سلوک الملوك*، ترجمه محمد علی موحد، تهران: خوارزمی.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۶۲)، *حبیب السیر اخبار افراد بشر*، زیر نظر محمد دیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام، چ.
- خوب‌نظر، حسن (۱۳۸۰)، *تاریخ شیراز (از آغاز تا ابتدای سلطنت کریم خان)*، به کوشش جعفر مؤید شیرازی، تهران: سخن.
- خیراندیش، عبدالله (۱۳۹۴)، *فارسیان در برابر معلوان*، تهران: آبادیوم.
- ساجدی، عبدالله (۱۳۹۴)، «تداوم و تحول در مبانی مشروعیت حکومت‌های بعد از اسلام، مطالعه موردی (از طاهریان تا حمله مغول)»، رساله دکتری، تهران: دانشگاه پیام نور.
- سامی، علی (۱۳۵۰)، پارس گده: پاسارگاد پایتخت و آرامگاه کوروش بزرگ، شیراز: انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر استان فارس.

- ----- (۱۳۵۳)، «بادبود دیدار پادشاهان از تجر کاخ داریوش بزرگ و تحت جمشید»، نشریه هنر و مردم، دوره ۱۳، ش ۱۴۸.
- ستوده، حسینقلی (۱۳۸۵)، تاریخ آلمظفر، تهران: دانشگاه تهران، چ ۲.
- سرآبادانی تفرشی، اکرم (۱۳۸۹)، «نظری بر دستاوردهای فرهنگی و تمدنی آلمظفر»، تاریخ پژوهان، س ۶، ش ۲۲.
- سمرقندی، کمال الدین عبدالرازاق (۱۳۸۳)، مطلع سعدیین و مجمع بحرین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیاح، احمد (۱۳۷۵)، فرهنگ جامع عربی-فارسی، تهران: کتابفروشی اسلام.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۷۶)، مشروعيت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین (بررسی جامعه شناسی مناسبات دین و دولت ایران اسلامی)، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- شریعتزاده، اصغر (۱۳۹۰)، سکه‌های ایران زمین از دوره هخامنشی تا پایان دوره پهلوی، تهران: پازینه.
- طباطبایی، جواد (۱۳۸۷)، تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران: کویر، چ ۹.
- عباسی، جواد و راضی، زهره (۱۳۹۳)، «مشروعيت ایرانی در حکومت‌های محلی ایران در قرن هشتم هجری»، مجله پژوهش نامه تاریخ‌های محلی ایران، س ۲، ش ۴.
- فصیحی خوافی، احمدبن جلال الدین (۱۳۸۶)، مجلل فصیحی، مقدمه و تصحیح محسن نصرآبادی، چ ۳، تهران: اساطیر.
- قزوینی، یحیی عبدالطیف (۱۳۸۶)، لب التواریخ، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی.
- عیید زاکانی (۱۳۴۳)، کلیات عیید زاکانی (قصاید، غزلیات، قطعات، رباعیات و مثنویات)، مقابله با نسخه مصحح عباس اقبال، ترجمه لغات و عبارات پرویز اتابکی، تهران: کتابفروشی زوار.
- غنی، قاسم (۱۳۵۰)، تاریخ عصر حافظ یا تاریخ فارس و مضائق و ایالات مجاوره در قرن هشتم، تهران: کتابفروشی زوار.
- کاتب، احمدبن حسین بن علی (۱۳۴۵)، تاریخ جدید یزد، به کوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- کتبی، محمود (۱۳۶۴)، تاریخ آلمظفر، به اهتمام و تحشیه عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۳)، حکومت، مباحثی در مشروعيت و کارآمدی، تهران: نشر سروش.
- مستوفی بافقی، محمدمفید (۱۳۸۵)، جامع مفیدی، به کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- معلم یزدی، معین الدین بن جلال الدین (۱۳۲۶)، مواهب الہی، با تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران: اقبال.
- میرزا ابوالقاسمی، محمدصادق (۱۳۸۷)، کتبیه‌های یادمانی فارس (نباهای قرن هشتم تا دهم

- هجری)، تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، تهران.
- میرحسینی، محمدحسن (۱۳۸۷)، آلمظفر، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- میرخواند، محمدبن سیدبرهان الدین خواندشاه (۱۳۲۹)، روضة الصفا فی سیرة الانبیا والملوک و الخلفاء، تهران: خیام.
- ----- (۱۳۸۰)، روضة الصفا فی سیرة الانبیا والملوک و الخلفاء، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- نظری، معین الدین (۱۳۸۳)، منتخب التواریخ معینی، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر.
- وینست، اندره (۱۳۷۶)، نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- همایون فرخ، رکن الدین (۱۳۶۹)، حافظ خراباتی، تهران: اساطیر.
- هیوود، اندره (۱۳۸۷)، مفاهیم کلیدی در عالم سیاست، ترجمه حسن سعید کلامی و عباس کاروان، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- یزدی، شرف الدین (۱۳۳۶)، ظرفنامه، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.

